

## جایگاه سهروردی شناسی در غرب\*

مهدی امین رضوی

ترجمه: محمد علی جعفری

تابستان سال جاری شهر زنجان مهماندار افراد فرهیخته داخلی و خارجی شرکت کننده در همایش بین المللی بزرگداشت شیخ شهاب الدین سهروردی بود. شیخ اشراق، شهاب الدین سهروردی در سالهای ۵۴۹ تا ۵۸۷ ق در دوره سلجوقیان در ایران و عراق و سوریه درخشش داشت و با سخت کوشی خود علی رغم عمر کوتاهش توانست مکتب اشراق را پی‌ریزی نماید. یکی از مدعوان این همایش دکتر مهدی امین رضوی بود. ایشان متخصص در فلسفه و دین شناسی در مرکز مطالعات آسیایی وابسته به دانشگاه واشنگتن است و در این عرصه بویژه اشراق پژوهی تألیفات متعددی دارد. مقاله حاضر نیز از نگاه بیرونی به بررسی فرایند مطالعات مختلف محققان در غیر کشورهای اسلامی پرداخته است. البته ایشان در صدد احصای کامل و استقرای جامع نبوده ولی سر نخ‌های اطلاعاتی خوبی ارائه کرده است.

شهاب الدین سهروردی، مبتکر مکتب اشراق و مهم‌ترین فیلسوف در فاصله میان دو دوره آیین فلسفه مشاء، از ابن سینا تا ابن رشد است. سهروردی حلقه واسط بین این دو دوران طلایی از اندیشه فلسفه اسلامی است. علاوه بر آن می‌توان وی را به عنوان شخصیتی که زمینه‌ساز پیدایش مکتب اصفهان شد نیز مورد توجه قرار داد؛ چرا که میرداماد و ملا صدرا هر دو به شدت تحت تأثیر مکتب فلسفی او قرار داشته‌اند.

سهروردی در عین حال که متفکری مبتکر است، در عرصه ترکیب و تلفیق اندیشه دیگران و ارائه فکر نو نیز اندیشمند بزرگی به شمار می‌رود. وی نه تنها گونه فلسفی منحصر به فردی با نام اشراق، و

\* عنوان اصلی این مقاله به زبان انگلیسی چنین است:

زبان یگانه‌ای معروف به لسان اشراق را برای ما به یادگار نهاده، بلکه شمار زیادی از آثار تحلیلی بزرگ و نوشته‌های صوفیانه ناب را نیز با خود به ارمغان آورده است. شاید به خاطر همین طبیعت چند چهره آثار وی باشد که بسیاری از فیلسوفان در سال‌های اخیر، اشتیاق شدیدی به او نشان داده‌اند.<sup>۱</sup>

مقاله حاضر، نه به میزان صحت اندیشه‌های او کاری دارد و نه به دنبال بحث در مورد سهم فراوان وی در فلسفه اسلامی است؛ بلکه در عوض به بررسی گسترش مطالعات در زمینه سهروردی شناسی در غرب، در سده حاضر و جایگاه کنونی و دورنمای آینده آن می‌پردازد.

نمی‌توان با قاطعیت گفت که طلایه‌دار مطالعات مربوط به سهروردی در غرب چه کسی بوده است، اما به نظر نگارنده، این کار، نخست به دست آلمانی‌ها در واپسین سال‌های قرن گذشته شروع شد و پس از جنگ جهانی دوم، توسط فرانسوی‌ها و سرانجام در دامنه‌ای محدودتر، به دست بریتانیایی‌ها ادامه یافت. محققان اسپانیایی و ایتالیایی متعددی نیز در حال بررسی افکار سهروردی‌اند. کوشش محققان ایرانی نیز مانند سید حسین نصر در معرفی سهروردی به غرب، در آثار انگلیسی و فرانسوی زبان وی، بسیار مورد توجه تقدیر است. بدیهی است که مطالعات مربوط به سهروردی در جهان عرب و شبه قاره هند، حجم گسترده‌ای دارد ولی این مطالعات از قلمرو بررسی حاضر بیرون است.

قدیم‌ترین منابع مربوط به سهروردی در جهان غرب، در کتاب‌های مختلف در زمینه تاریخ فلسفه جهان و دایرة المعارف‌هایی نظیر *دایرة المعارف جهانی فلسفه*<sup>۲</sup> فراهم آمده است. در این آثار از وی به عنوان منتقد فلسفه مشاء یاد کرده‌اند. در فرهنگ *اصطلاحات فلسفه به زبان عربی و فارسی*<sup>۳</sup> از سهیل افنان نیز ریشه‌شناسی برخی از اصطلاحات اشراقی او را مورد تحلیل قرار داده است. میرچا ایلیاده، نگارنده مشهور تاریخ ادیان و محقق دایرة المعارف دین نیز در فصل سی و پنجم از اثر *عظیمش، تاریخ عقاید و اندیشه‌های مذهبی*<sup>۴</sup>، به اهمیت اندیشه کلامی و عرفانی سهروردی اشاره کرده است. وی سهروردی را در میان شخصیت‌هایی نظیر فارابی، ابن سینا و غزالی، از برجسته‌ترین فیلسوفان مسلمان برمی‌شمارد. در این‌جا به طور ویژه، مکتوبات اروپایی در زمینه مطالعات مربوط به سهروردی در نقاط مختلف جهان را مورد توجه قرار می‌دهیم.

## آلمان

در کنار منابع پراکنده مربوط به سهروردی، در اوایل قرن گذشته، از اشخاصی چون ا. ون کریمر در *تاریخ اندیشه‌های حکومتی در اسلام*<sup>۵</sup> و اثر دایرة المعارف گوته کارل بروکلان<sup>۶</sup>، به پژوهش بزرگی در مورد سهروردی به وسیله محقق آلمانی، ماکس هرتن در *فلسفه اشراقی سهروردی*<sup>۷</sup> بر می‌خوریم. این اثر در بر دارنده خلاصه حکمت *الاشراقی* سهروردی به زبان آلمانی، به علاوه حواشی ملاصدرا بر آن است. کتاب یاد شده، به مرجعی برای بسیاری از دیگر محققان آلمانی متأخر در باره سهروردی تبدیل شده بود. هرتن در اثر دیگری با عنوان *الهیات تجربی و فرا تجربی اسلام از نظر رازی*<sup>۸</sup> یک

فرهنگ اصطلاحات فلسفی بر پایه آثار شماری از فیلسوفان نظیر ملا صدرا و رازی تصنیف کرده بود که شامل اصطلاحات اشراقی سهروردی می‌شد. هرتن در این اثر، توجه ویژه‌ای به زبان خاص سهروردی (لسان اشراق) نشان می‌دهد.

دیگر پژوهش‌گر آلمانی که در اوایل این قرن توجهش به سهروردی معطوف شد، اتو اسپایز در کتاب تحقیقی خود، سه رساله در عرفان از شهاب الدین سهروردی مقتول<sup>۹</sup> است که سه نوشته صوفیانه سهروردی را معرفی می‌کند: رساله الطیر، لغت موران و سفیر سیمرغ. مورد دیگری که باید از آن یاد کرد، دو مقاله مفصل از هلموت ریتر درباره سهروردی با عنوان چهار سهروردی<sup>۱۰</sup> است که در آن، بحثی کلی درباره سهروردی ارائه می‌کند و درون‌مایه و هسته مرکزی فلسفه سهروردی را آشکار می‌سازد.

برای محققان آلمانی که در سده‌های اخیر به مطالعه در باره سهروردی مشغول بوده‌اند، موضوع تناسخ تا اندازه‌ای جلب نظر کرده است. نخست با اثر بزرگ راینر فریتنگ با عنوان تناسخ در اندیشه فرقه‌های منحرف اسلامی<sup>۱۱</sup> روبه‌رو هستیم که در آن، دیدگاه سهروردی را در باره تناسخ مورد بحث قرار می‌دهد. پس از آن، مقاله سابلین اشمیت از دانشگاه بن با عنوان نظریه تناسخ روح (نفس) بر اساس آراء شهاب الدین سهروردی و پیروانش قرار دارد<sup>۱۲</sup>. اشمیت در بحث خود، مسئله تناسخ روح را که موضوعی جنجال برانگیز میان فیلسوفان بوده است، مطابق نظر سهروردی، نه تنها ممکن می‌داند بلکه مدعی است که سهروردی نظر موافق نسبت به آن دارد.

منابعی نیز توسط برخی پژوهش‌گران کم‌تر شناخته شده، درباره سهروردی فراهم شده است؛ مانند تاریخچه فلسفه در ایران از عبد الامیر جوهر دلواری که به زبان آلمانی زیر عنوان فلسفه ایرانی از زرتشت تا سهروردی<sup>۱۳</sup> نگارش یافته است. میکولوس ماروث در اثری درباره منطق گزاره‌ای، از منطق سهروردی سخن می‌گوید<sup>۱۴</sup> و ماکوک رودولف در مقاله آموزنده‌ای با عنوان یونان و منابع شرقی عرفان ابن سینا و سهروردی<sup>۱۵</sup>، بر خاستگاه فکری این دو شخصیت تأکید می‌کند. به این فهرست باید سیمون وان دن برگ<sup>۱۶</sup> را افزود که بخشی از هیاکل النور سهروردی را همراه با حواشی و برخی ملاحظات کوتاه ترجمه کرده است.

## فرانسه

قدیم‌ترین اثر درباره سهروردی، به زبان فرانسه توسط کارا دو وو در سال ۱۹۰۲ تحت عنوان فلسفه اشراقی<sup>۱۷</sup> نوشته شد و در آن، ساختار نظریه اشراق سهروردی مورد بحث قرار گرفت.

در میان نسل بعدی محققان فرانسوی، شخصیت برجسته‌ای چون هانری کربن را می‌یابیم. تنها معدودی از غربیان سهمی بیش از هانری کربن در معرفی فلسفه اسلامی به غرب داشته‌اند. نوشته‌های او نه تنها در غرب بلکه در ایران نیز دارای اهمیت است؛ چه این‌که او نیز منزلت سهروردی را به ایرانیان نشان داده است. فهرست ترجمه و شرح‌های او بر آثار سهروردی بسیار پر

شمارتر از آن است که در این جا ذکر شود. کربن، اگر نگوییم همه، بیش تر آثار سهروردی را ترجمه و معرفی کرده است.<sup>۱۸</sup>

نخست باید از تحقیق او روی آثار فلسفی عمده سهروردی<sup>۱۹</sup> در دو مجلد یاد کنیم؛ آن هم در زمانی که شخصیت سهروردی چه در ایران و چه در غرب بسیار مورد غفلت بود. ترجمه‌های او از آثار اصلی سهروردی، شامل ترجمه آزاد از حکمت الاشراف و آواز پر جبرئیل است که در آن‌ها با پاول کراوس هم‌کاری کرده است. به سیاهه بلند آثار کربن می‌توان اسلام ایرانی<sup>۲۰</sup> را افزود که در مجلد دوم آن، سهروردی و پیوندهایش با افلاطونیان و نو افلاطونیان را به بحث می‌گذارد. هم‌چنین در تاریخ فلسفه اسلامی<sup>۲۱</sup> و نیز در کتاب مرد نورانی در تصوف ایرانی<sup>۲۲</sup> کربن که به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی ترجمه شده است، می‌توان بحث از سهروردی را یافت. در اثر اخیر است که کربن با استفاده از اندیشه سهروردی، قلمروی مقدس را توسعه می‌بخشد و مکتب وحدت وجود ابن عربی و مکتب وحدت شهود سمنانی را مورد بحث قرار می‌دهد. او در ادامه به بحث در باره مضامین اشراقی و سفر معنوی نفس از مغرب دور (occidental exile) تا مشرق نور (orient of light) در شماری از آثارش می‌پردازد؛ مانند ایران و فلسفه<sup>۲۳</sup> (مجموعه مقالاتی غالباً غیر تحقیقی) و مضامین زرتشتی در فلسفه سهروردی<sup>۲۴</sup> (که در جست وجوی ریشه‌های فلسفی اندیشه سهروردی تا ایران باستان است و از جاودان خرد بحث می‌کند).

فریافت معنوی سهروردی، موضوع مقاله کوتاه کربن با عنوان عرفان و اخلاق از نظر شیخ الاشراف سهروردی<sup>۲۵</sup> است. اهمیت فلسفی نظریه اشراقی سهروردی نیز در مقاله جداگانه‌ای به طور مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۲۶</sup> کربن هم‌چنین تحلیل دقیقی از زندگی و افکار سهروردی در اثر بزرگش، سهروردی بنیان‌گذار مکتب اشراق<sup>۲۷</sup> ارائه می‌کند. منابع پر شمار دیگری را نیز می‌توان در باره سهروردی<sup>۲۸</sup> در مجموعه کامل آثار کربن یافت؛ ولی ارائه یک مرجع جامع که همه آن‌ها را در بر بگیرد، فراتر از قلمرو این اثر قرار دارد.

کربن نیز هم‌چون بسیاری از استادان بزرگ، دانش‌جویانی را پرورده است که به مطالعه افکار سهروردی توجه نشان داده‌اند. در این میان می‌توان از جمبت مسیحی نام برد. جمبت در منطق اشراقیان<sup>۲۹</sup> خود به طور مفصل و مبسوط در باره آن‌چه که وی «منطق شرقی» می‌نامد، به شرح می‌پردازد. در همین چرخه می‌توان از امیر نفکی نام برد که در اثر خود، روش و منطق از نظر سهروردی<sup>۳۰</sup> به روش‌شناسی سهروردی، منطق و ویژگی‌های برجسته شیوه تفلسف اشراقی علاقه نشان می‌دهد.

پیش از آن‌که به سراغ دیگر شخصیت‌ها برویم، باید از جشن‌نامه هنری کربن و سهروردی، به کوشش داریوش شایگان یاد کنیم. شایگان در اثر عمده‌اش با عنوان ساختار معنوی اسلام ایرانی<sup>۳۱</sup> رشته پیچیده‌ای از روان‌شناسی، اسطوره‌شناسی و مضامین فلسفه اروپایی معاصر را به کار می‌برد تا

درون مایه‌های اصلی فلسفه سهروردی را بازتاب دهد.

در میان دیگر آثار به زبان فرانسه که به بزرگ‌داشت نقش سهروردی پرداخته‌اند، از کتاب جورج اناواتی با نام *ابن سینا: مابعد الطبیعه شفا*<sup>۳۲</sup> نام برد که در آن، از میزان تأثیر ساختارشناسی ابن سینا بر سهروردی بحث می‌کند و وی را اساساً پیرو ابن سینا نشان می‌دهد. اناواتی هم‌چنین در کتاب *مفهوم وجود در کتاب المشارع و المطارحات*<sup>۳۳</sup> در باره نظریه وجود سهروردی قلم‌فرسایی نموده، یک بار دیگر شباهت آن را با نظریه وجود ابن سینا ترسیم می‌کند. در مطالعه متفاوتی درباره هستی‌شناسی سهروردی، عبد الرحمن بدوی در *نقاط برخورد تصوف اسلامی و اگزیستانسیالیسم*<sup>۳۴</sup> میان ساختار هستی‌شناسانه سهروردی و ساختار اگزیستانسیالیسم مقایسه برقرار می‌کند و شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو پارادایم فلسفی را آشکار می‌سازد. در بین دیگر مطالعات مقایسه‌ای، باید از اثر شاهین عثمان، یعنی *هستی‌شناسی و الهیات از نظر ابن سینا*<sup>۳۵</sup> یاد کرد که در آن، همانندی‌های هستی‌شناسانه سهروردی و ابن سینا به طرز فلسفی مورد تحلیل قرار گرفته است. محمد رضا فشاهی در کتاب *ارسطوی بغداد*<sup>۳۶</sup> قسمتی را به سهروردی اختصاص می‌دهد و در شرح حال مفصلی، از وی به عنوان فیلسوف، سیاست‌مدار و شهید یاد می‌کند.

در این‌جا باید به سهم لوئیس گاردت اشاره کنیم. این محقق فرانسوی، مقالات گوناگونی در معرفی سهروردی به مخاطبان اروپایی نگاشته است. در میان آثار قابل توجه او می‌توان از مقاله وی درباره *وجوه اشراقی اندیشه سهروردی که بر جنبه‌های معنوی پارادایم فکری او تأکید دارد*، یاد کرد<sup>۳۷</sup>. اثر دیگر او، بررسی درون‌مایه افکار سهروردی و ماهیت تجربه عرفانی اوست<sup>۳۸</sup>. نیز جا دارد از مقاله وی، *شیخ الاشراق سهروردی و فرهنگ مسلمانان*<sup>۳۹</sup> یاد کنیم که در آن، فلسفه مشائی فارابی با فلسفه سهروردی مورد مقایسه قرار گرفته است.

مرتب‌ه سهروردی در تاریخ فلسفه اسلامی توسط گومز نوگالس در اثری با عنوان *سهروردی و سهم وی در حوزه فلسفه*<sup>۴۰</sup> مورد توجه واقع شده است. ساختار فلسفی سهروردی به وسیله حسن حنفی در گفتگویی با مباحث فلسفی معاصر رو در رو قرار گرفته است. حنفی در جالب‌ترین و بدیع‌ترین مقاله خود، زیر عنوان *فلسفه اشراق و پدیدارشناسی*<sup>۴۱</sup> به مقایسه فلسفه اشراق با پدیدارشناسی هوسرل در اصطلاحات روش‌شناسی و در اندیشه «خود اشراقی» (خود برتر) بر می‌خیزد.

## انگلیسی

در میان پیش‌تازان مطالعه در باره سهروردی در غرب، اولین و برجسته‌ترین فرد، سید حسین نصر است که در اواخر دهه پنجاه میلادی معرفی سهروردی به اهالی مغرب زمین را آغاز کرد. آثار او در این زمینه بسیار پر شمارتر از آن است که در این‌جا از آن‌ها یاد شود.<sup>۴۲</sup> در زیر به برخی از این آثار اشاره می‌کنم:

نخست مجموعه آثار فارسی سهروردی است که با مقدمه نصر منتشر شده است. نصر مقالات فراوانی دارد که در میان آن‌ها می‌توان از *آثار فارسی شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی*<sup>۳۳</sup> و *گسترش مکتب اشراقی سهروردی*<sup>۳۴</sup> یاد کرد. نصر در مقاله دوم، از گسترش تفکر صوفیانه در شبه قاره و غرب سخن می‌گوید. مقاله نصر در *تاریخ فلسفه اسلامی* به کوشش م. م. شریف،<sup>۳۵</sup> نیز یکی از نخستین مقالات جامع و مبسوط به زبان انگلیسی به شمار می‌رود. بخش مربوط به نصر در کتاب *سه حکیم مسلمان*<sup>۳۶</sup> و نیز مقاله *سهروردی: شیخ شهید و پیر مکتب اشراقی و عرفان*<sup>۳۷</sup> که در سال ۱۹۶۰ منتشر شد، راه بلندی را به سوی معرفی سهروردی به خوانندگان غربی پیمود.

لازم است از مجید فخری نیز یاد کنیم که علاوه بر مقالات متعدد به زبان عربی درباره سهروردی، از او به اختصار در کتابش *تاریخ فلسفه اسلامی*<sup>۳۸</sup> بحث می‌کند. وی همچنین در کتاب *فلسفه، جزمیت و تأثیر اندیشه یونانی در اسلام*، بخشی را به نقد سهروردی بر مشایبان اختصاص داده است.<sup>۳۹</sup> ریچارد تئون، فیلسوف انگلیسی، نه تنها در شماری از آثار خود، به سهروردی اشاره دارد، بلکه ساختار نو افلاطونی نظام هستی‌شناسانه سهروردی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده، وی را یک فیلسوف صوفی به شمار آورده است.<sup>۴۰</sup> در این زمینه از اقبال لاهوری باید یاد کرد که در *سیر فلسفه در ایران*، بخشی را به تصوف اختصاص می‌دهد و در آن، از سهروردی و مکتب اشراق بحث می‌کند.

اغلب رساله‌های فارسی صوفیانه سهروردی، نخستین بار توسط محقق دانشگاه هاروارد، ویلیام م. تاکستون ترجمه و منتشر شد و اخیراً این مجموعه برای دومین بار به چاپ رسید. احتمالاً در نتیجه این گونه ترجمه‌هاست که مفاهیم و اصطلاحات اشراقی توسط برخی شاعران امریکایی نظیر ویلیام بلیک و ویلیام ب. بیتس نیز مورد توجه واقع شده است. این دو در شعرشان به انگاره‌های اشراقی اشاره دارند و بعضی از اصطلاحات فنی آن را به کار گرفته‌اند. صلاح سالم علی، پژوهش‌گر معاصر، در مقاله خود با عنوان *مضامین اشراقی در اندیشه و شعر ویلیام بلیک و ویلیام ب. بیتس*<sup>۴۱</sup>، شباهت‌ها و تأثیرات سهروردی را بر این دو شاعر امریکایی مورد مطالعه قرار داده است.

مرحوم مهدی حائری یزدی، در یکی از مهم‌ترین آثار در زمینه فلسفه اسلامی به زبان انگلیسی، شرح و تفسیری دارد بر اندیشه سهروردی در باب علم حضوری. عنوان این اثر چنین است: *اصول معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی: علم حضوری*<sup>۴۲</sup>.

در میان آثار ناشناخته‌تر درباره سهروردی به زبان انگلیسی، می‌توان از مقاله ادوارد جورجی یاد کرد که در آن، از تجدید حیات مکتب اشراق در دوران جدید سخن می‌گوید.<sup>۴۳</sup> بلال کاسپینار<sup>۴۴</sup> در باره ملا صدرا، ابن سینا و سهروردی، قلم‌فرسایی کرده، به مقایسه دیدگاه آنان درباره علم الهی پرداخته است. آنتونی توفی بهره‌گیری سهروردی از نمادگرایی را مورد بررسی قرار می‌دهد و شیوه او را در استفاده از نماد «نور» با شیوه غزالی مقایسه می‌کند. او تحلیل مقایسه‌ای خود را در مقاله‌اش، زیر عنوان *نمادگرایی و تخیل در آواز پر جبرئیل اثر سهروردی*<sup>۴۵</sup> ارائه داده است. در مقاله

ضیاء صدیقی نیز با عنوان *فلسفه ابن طفیل*<sup>۶۴</sup>، از استفاده سهروردی از اشارات و تمثیلات در حی بن یقظان و نمادگرایی عرفانی و فلسفی موجود در این قصه، بحث شده است. شیخ تسون بایراک الجراحی الحلاوتی در *شکل نور*، تفسیری صوفیانه از هیاکل النور سهروردی به دست می‌دهد.<sup>۶۷</sup>

در پی آثار پیش‌تازانه کربن و نصر، شماری از رساله‌های دکتری در سال ۱۹۷۰ نوشته شد که در میان آن‌ها، موارد زیر قابل ذکر است: میشل بایلیلی رساله‌اش را در خصوص وجه ادبی و سخن‌شناسانه داستان‌های سهروردی نگاشت. بایلیلی در نوشته خود با عنوان *خرد اشراق: بررسی قصه‌های منظوم سهروردی*<sup>۶۸</sup> بحث و تحلیل دامنه‌داری را در باره داستان‌های فارسی سهروردی عهده‌دار می‌شود و بر ارزش ادبی آن‌ها انگشت تأکید می‌نهد. کاظم تهرانی در پایان‌نامه دکتری خود، چهار رساله صوفیانه سهروردی را مورد تأمل قرار می‌دهد و تحلیل جامعی از نمادگرایی در این رساله‌ها ارائه می‌کند.<sup>۶۹</sup> وی هم‌چنین مقاله‌ای درباره مفهوم پیر (شیخ) در آثار سهروردی نوشته است.<sup>۷۰</sup> حسین ضیایی پیش از دیگران، رساله دکتری خود را در باره منطق سهروردی عرضه نمود و برای نخستین بار مطرح کرد که سهروردی دارای سیستم منطقی ممتاز و مشخصی است که وی را از دیگر فیلسوفان مشاء جدا می‌سازد. او چندین مقاله<sup>۶۱</sup> و یک کتاب با عنوان *دانش و اشراق*<sup>۶۲</sup> در باره منطق سهروردی نگاشته است. شاید بتوان مهم‌ترین نوشته ضیایی را آخرین ترجمه او از حکمت الاشراق<sup>۶۳</sup> دانست که با همکاری جان والبریج نگاشته شده و نقد محققانه والبریج را در باره شرح شهرزوری بر آراء سهروردی به همراه دارد. در میان سایر رساله‌های دکتری، به جاست از اثر خانم گسیلا وب در زمینه فرشته‌شناسی سهروردی یاد کنیم.<sup>۶۴</sup> وی در این اثر، رابطه میان ریشه‌های زرتشتی فرشته‌شناسی سهروردی و شالوده‌های اسلامی اندیشه فلسفی او را مورد تحقیق قرار داده است.

آثار خود نگارنده در زمینه مطالعات مربوط به سهروردی، شامل رساله دکتری در باره معرفت‌شناسی سهروردی است که مفهوم حقیقت و علم حضوری در آن بررسی شده است. من در چندین مقاله در باره سهروردی، وجوه گوناگون اندیشه او را مورد بررسی قرار داده‌ام که موارد زیر از آن میان قابل ذکر است:<sup>۶۵</sup> تأثیر سهروردی بر فلسفه اسلامی؛ شرح فلسفی حکمت و هستی‌شناسی سهروردی؛ شعر عرفانی و فلسفی سهروردی. نیز از کتاب *سهروردی و مکتب اشراق*<sup>۶۶</sup> نام می‌برم که درآمدی است جامع در این باب برای مخاطبان غربی.

در میان دیگر نویسندگانی که در زمینه مطالعات سهروردی‌شناسی قلم زده‌اند، باید از جان والبریج یاد کرد. نوشته او قطب الدین شیرازی با عنوان *علم انوار الهی*<sup>۶۷</sup>، دیگر مفسران حکمت الاشراق سهروردی را مورد بحث قرار می‌دهد. نیز مقاله والبریج درباره سهروردی که وی را به عنوان یک نو رواقی<sup>۶۸</sup> مورد مطالعه قرار داده است و کتاب اخیرش در باره سهروردی با نام *خمیرمایه قدما*<sup>۶۹</sup> را باید خاطرنشان کرد. والبریج در این اثر، متکی به روش تحویل‌گرایانه در تحقیق است. او به تحلیل مؤلفه‌ها و مبادی فکری مکتب اشراق سهروردی می‌پردازد. اثر بعدی او، *خرد مشرق غیبی: سهروردی و مطالعه فرهنگ افلاطونی شرق*<sup>۷۰</sup> به یک معنا ادامه اثر پیش‌گفته اوست و والبریج در

آن، تحقیق بیش‌تری روی خاستگاه‌های مکتب اشراق به عمل می‌آورد.

### اسپانیا، ژاپن و ایتالیا

آرگوس جان مانوئل، فیلسوف اسپانیایی، در نوشته‌ای با نام *اندیشه غیر عقلی اسلام: تصوف سهروردی*<sup>۷۱</sup> وجوه صوفیانه اندیشه سهروردی یا به قول خودش «اندیشه خرد گریز (غیر عقلانی) در اسلام» را مورد توجه قرار می‌دهد. فیلسوف اسپانیایی دیگر و محقق نام‌دار در عرصه تفکر اسلامی، میگوئل هرناندز، نماد گرایی معنوی در اندیشه سهروردی را در کتابش *نماد گرایی و رمز پردازگی در فلسفه اسلامی: ابن سینا و سهروردی*<sup>۷۲</sup> مورد اشاره قرار می‌دهد و آن را با نماد گرایی ابن سینا مقایسه می‌کند. وی به طور ویژه، مفهوم پرواز پرندگان نزد سهروردی را با این مفهوم در رساله الطیر قیاس می‌کند. کروز هرناندز در اثر دیگرش<sup>۷۳</sup> به بررسی ساختار عرفانی و فلسفی حکمت الاشراق و ارتباط این دو نوع گفتمان می‌پردازد. به این سیاهه، کار آندریا دو ویتا، محقق جوان آرژانتینی را باید افزود که رساله دکتری‌اش در باره سهروردی است و در خلال آن می‌کوشد تا شماری از آثار او را به اسپانیایی ترجمه کند.

در ژاپن، چندین پژوهش‌گر در سال‌های اخیر به آثار سهروردی توجه نشان داده‌اند؛ اگر چه متون زیادی توسط آنان تولید نشده است. در میان این محققان، توشیکو ایزوتسو با هم‌کاری هانری کربن و سید حسین نصر در سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی، دانش‌جویانی علاقه‌مند به سهروردی را در ژاپن پروراندند. در میان این دانش‌جویان جا دارد از آکیرو ماتسو موتو یاد کنیم که نزد استاد اشتیانی تلمذ کرد *رسالة الوجود جلال الدین دوانی* را ترجمه نمود. هاروتو کوبایاشی و کتابش *نظریه ابن سینا و سهروردی در باب خودآگاهی: ملاحظاتی مقایسه‌ای*<sup>۷۴</sup> نیز قابل ذکر است، که معرفت‌شناسی سهروردی و نظریه علم حضوری او را با نظریه ابن سینا مقایسه می‌کند.

فیلسوف ایتالیایی، پیو فیلیپیان رونکنی، اثر مهمی در باره حکمت سهروردی نگاشته، ساختار اندیشه سهروردی را با ارجاع به وجه صوفیانه نظریه اشراقی او مورد بحث قرار داده است.<sup>۷۵</sup>

بررسی حاضر، خلاصه‌ای از بیش‌ترین آثاری است که به زبان‌های اروپایی در باره سهروردی به نگارش در آمده است؛ اما به هیچ وجه تمامی آثار در این باب را در بر نمی‌گیرد. در این‌جا، از ذکر آن دسته آثاری که به طور گذرا به سهروردی اشاره داشته‌اند، خودداری کرده‌ایم و فقط به برخی از مجموعه‌های برگزیده، تنها به عنوان منتخب آثار اشاره نمودیم. نیز به آثار سهروردی به زبان‌های شرقی در شبه قاره یا در جهان عرب اشاره نکرده‌ایم. بدون تردید هنوز جا برای عرضه آثار جامع در باره سهروردی به تمامی زبان‌ها وجود دارد؛ آثاری ارزش‌مند برای شاگردان این استاد و آموزگار بزرگ که پیام به هنگام او، با مرگ نابه‌هنگامش قطع شد. شاید شعری که گفته می‌شود بر سنگ مزارش نقش بسته است، تمامی آن پیام را به طور خلاصه بازگو کند:<sup>۷۶</sup>

صاحب این گور، گوهری بود



گوهری پنهان که خدا از ارزش آن خبر داشت

روزگار قدر او را ندانست

هم از این رو خدایش از دیده مردمان پنهان کرد و به صدف خویش باز گرداند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اطلاعات بیش‌تر درباره زندگی و افکار سهروردی را در یادواره شهاب‌الدین سهروردی با نام و مشخصات زیر خواهید یافت:  
*à l'occasion du huitième centenaire de sa mort, Cairo, 1974.*  
Mehdi Aminrazavi, Shihab al-Din Suhrawardi and the School of Illumination.  
London: CURSON Press, 1996.
2. Encyclopedia Philosophique Universelle, vol. 3. Paris, 1990.
3. Soheil Afnan's *Philosophical Terminology in Arabic and Persian*. Leiden:1964.
4. Eliade. Mercea . *Historie des croyances et des idées religieuses*, Paris:1983.
5. A. Von Kramer , *Geschichte derherrschenden Ideen des Islam*, Darmstadt, 1961.  
Reprint of 1868 edition in Leipzig.
6. Carl Brockelmann. *Geschichte der arabischen Literatur and Geschichte der arabischen Literatur* Supliment,2d ed.5 vols. Leiden:1937-49.
7. Max Horten, *Die Philosophie der Erleuchtung nach Suhrawardi*, Tehran:1895-1898.
8. Max Horten. *Die Spekulative und positive Theologie des Islam nach Razi*, Leipzig: 1967, pp.123-365.
9. Otto Spies *Three Treatises on mysticism by Shihabuddin Suhrawrdi Maqful*, Stuttgart: 1935.
10. Helmut Ritter, "Philologica IX: Die vier Suhrawardi" *Der Islam* 24(1937): 270-86; 25(1938)35-86.
11. Rainer Freitag, *Seelenwanderung in der islamischen Häresie*, Berlin:1985
12. Sabline Schmidtke, "The Doctrine of the Transmigration of the Soul According to Shihab al-Din Suhrawardi and His Followeres." *Studia Iranica*, Tome 28-1999 fascicule 2, 237-254.
13. `Abdolamir Johardeivari, *Iranische Philosophie von Zarathustra bis Sabzewari*, Frankfurt: 1994.
14. Ibn Sina und die peripatetische "Aussagentogik", Leiden:1989.
15. Macueh Rudolf, "Greek and Oriental Sources of Avicenna's and Suhrawardi's Theosophies", *Graeco-Arabica*, 1983:1, 11-34.
16. Simon Van Den Bergh, "*De temples van het lich door Soehrawardi*", *Tijdschrift voor wijsbegeerte*. Haarlem. 1916; 10:30-59.
17. Carra de Vaux, "La Philosophie illuminative," in *Journal Asiatique*, 9<sup>th</sup> ser.. 19, no.1 (janvier-février 1902):63-94.
۱۸. فهرست کامل ترجمه‌ها و شرح‌های کربن درباره سهروردی را در کتاب *شناسی فلسفه اسلامی* از دایبر با مشخصات زیر ببینید:  
Hans Daiber, *Bibliography of Islamic Philosophy*, Brill:1999, vol.1, pp.189-198 & 866-867.
19. Henry Corbin, *Oeuvres Philosophiques Et Mystiques, Institut d'Etudes et des Recherches Culturelles*, Tehran: 1993.
20. Corbin, *En Islam iranien, vol. ۲*, Paris:1971.

21. Corbin, *Historie de la philosophie islamique*, Paris:1986.
  22. Corbin, *L'homme de lumière dans le soufisme iranien*, Paris:1984.
  23. Corbin, *L'Iran et la philosophie*, Paris 1990.
  24. Corbin, *Les motifs Zoroastrians dans la philosophie de Sohrawardi*, Tehran 1964.
  25. Corbin, *Mystique et humeur chez Sohrawardi, Shaykh al-Ishraq*, in *Collected Papers on Islamic Philosophy and Mysticism*, Paris:1971,16-38.
  26. Corbin, *Philosophie iranienne et philosophie comparée*, Tehran:1977.
  27. Corbin, *Suhrawardi d'Alep fondateur de la doctrine illuminative*, Paris:1939.
۲۸. در میان این آثار می‌توان از این اثر نام برد:
- Terre céleste et corps de resurrection: de l'Iran mazdéen a l'Iran shi'ite*. Paris:1960.
- بخش دوم این اثر در بر دارنده قطعات برگزیده‌ای از آثار سه‌روردی است.
29. Christian Jambet, *La logique des orientaux: Henry Corbin et la science des forms*, Paris:1983.
  30. Amir Naffaky , *La méthode et la loigque chez al-Suhrawardi, fondateur de la philosophie de l'Ishraq, illuminisme en Islam*, Aix-Mareille, 1976.
  31. Daryush Shayegan, *La topographie spirituelle de l'Islam iranien*, Paris:1990.
  32. George Anawati in his *Avicenna: La Metaphysique du Shifa'*, Livres I à V. *Traduction française du Text arabe*, Paris: 1985.
  33. George Anawati, *Memorial Shihab al-Din Suhrawardi à l'occasion du huitieme centenaire de sa mort*, Cairo, 1974, 136-150.
  34. Abd al-Rahman Badawi. "Les points de rencontre de la mystique musulmane et de l'existentialisme," in *Studia Islamica*, 1967; pp.55-76.
  35. Chahine Osman, *Ontologie et théologie chez Avicenne*, Paris:1962.
  36. Fashahi, Mohamad-Reza, *Aristote de Baghdad*, Paris:1995.
  37. Gardet, Louis , "A propo de l'Ishraq de Suhrawardi: valeurs spéculatives et experience vécue," in *Essays on Islamic Philosophy and Science*, 1975:112-117.
  38. Gardet, Louis, "Quelques reflexions sur l'Ishraq de Suhrawardi et sa portée expériencielle," in *Memorial Shihab Al-Din AL-Suhrawardi*, Cairo: 1974:87-101.
  39. Gardet, Louis, "Suhrawardi, Shaykh al-Ishraq et la culture musulmane" in *Dirasat falsafiyya muhdat ila li-duktur Ibrahim Madkur*, 1974:75-89.
  40. Gomez Nogales , "Suhrawardi et sa significaiton dans le domaine de la philosophie" in *Mélanges d'Islamologie*, Leiden:1974, 510-171.
  41. Hasan Hanafi, "La philosophie de l'Ishraq et la phenomenology," in *Memorial Shihab al-Din Suhrawardi*, Cairo:1974:169-252.
۴۲. فهرست کامل آثار سید حسین نصر در کتاب‌شناسی او به کوشش مهدی امین‌رضوی موجود است، با این مشخصات:
- The Library of Living Philosophers*, ed. L. Hahn, Illinois, 2001.
43. S.H. Nasr, "The Persian Works of Shaykh al-Ishraq Shihab al-Din Suhrawardi," in *The Islamic Intellectual Tradition in Persia*, CURZON:1996, pp.154-159.
  44. Ibid.. 160-171.
  45. M.M. Sharif, "Shihab al-Din Suhrawardi Maqtul" in *History of Islamic Philosophy*, Wiesbaden, 1963.
  46. S.H. Nasr, *Three Muslim Sages*, New York:1964
  47. S.H. Nasr, "Suhrawardi:The Master of Illumination, Gnostic and Martyr," in *Journal of the Regional Cultural Institute*, Tehran, 1969:2, 209-225.
  48. Majid Fakhry "History of Islamic Philosophy," NY:1983, pp.293-304.

49. Majid Fakhry, *Philosophy, Dogma and The Impact of Greek Thought in Islam*, VARIORUM, 1994, pp.297-284.
50. Richard I. Netton. "The Neoplatonic Substance of Suhrawardi's Philosophy of Illumination:Falsafa as Tasawwuf," in the *Legacy of Medieval Persian Sufism*.1992:247-260.
51. Salah Salim Ali. "Ishraqi Themes in the Theory and Prose of William Blake and William B. Yeats," *Hamdard Islamicus*, XVI,3:37-61.
52. Mehdi Ha'iri Yazdi . *The Principles of Epistemology in Islamic Philosophy: Knowledge by Presence* , New York: 1992.
53. Edward Jurji, "The Ishraqi Revival of al-Suhrawardi", *Journal of the American Oriental Society*, 1940:60, pp 90-94.
54. Bilal Kuspinar. "Mulla Sadra's Criticism of Ibn Sina and Al-Suhrawardi on the Problem of Knowledge." *Islami arastirmalar, Ankara*:1991:5,1 45-55.
55. Anthony Tuft, "Symbolism and Speculation in Suhrawardi's The Song of Gabriel's Wing" in *Islamic Philosophy and Mysticism*, 1981:207-221.
56. Ziya' Siddiqi, "The Philosophy of Ibn Tufayl." *Aligarh Publicatin Series*. v.81.
57. Shaykh Tosun Bayrak al-Jerrahi al-Halveti, *Suhrawardi: The Shape of Light*, Louisville: FONS VITAE Press, 1998.
58. Michael Bylebly, *The Wisdom of Illumination: A Study of the Prose Stories of Suhrawardi*, Chicago:1976.
59. Kazim Tehrani, *Mystical symbolism in Four Treatises* , Ph.D. Diss., Columbia:1974.
60. Kazim Tehrani, "The Role of the Sage in the Works of Suhrawardi," in *Islamic Philosophy and Mysticism*. 1981:191-205.
- ۶۱ فهرست کامل آثار ضیایی را در کتاب شناسی فلسفه اسلامی اثر دایبر ببینید:
- Daiber, *Bibliography of Islamic Philosophy*, pp.968
62. Zia'i, Hossein, *Knowledge and Illumination*, Atlanta:1990.
63. Zia'i, H. and Walbridge, J., *Hikmat al-ishraq*, Utah:1999.
64. Gisela Webb, *Angelology*, Ph.D. Diss., Temple Univ. 1988.
65. Mehdi Aminrazavi, "The Influence of Suhrawardi on Islamic Philosophy." In *Islamic Culture*, 63:4(1989) pp. 1-31; "A Philosophical Exposition of Suhrawardi's Metaphysics and Ontology." In *Aligarah Journal of Islamic Thought*, March/April 3 (1990), pp. 9-36; "Suhrawardi's Rationalistic Approach to the Problem of Knowledge." In *Journal of Islamic Studies*, 29:2 (1990), pp. 163-182;"Nufuz-i Suhrawardi dar Hind" "Influence of Suhrawardi in India" In Persian, *Rahavard Journal of Persian Literature*, Part I, 27 (1991), pp. 72-78 and Part II, 28 (1991), pp. 70-76; "Epistemological Significance of Suhrawardi's Persian Writings." (written in Persian), *Iran Nameh*, 2:1(1993). pp. 7-89; "The Significance of Suhrawardi's Persian Sufi Writings in the Philosophy of Illumination." In *Classical Persian Sufism: From Its Origin to Rumi*, (ed.) by L. Lewisohn, (London: KNP Press, 1994), pp. 259-283; "The Essential Works and Doctrine of Shihab al-Din Suhrawardi." (in Persian), In *A Journal of Sufism*, 22:(1994). pp.11-19; al-Farabi, Avicenna, Ghazzali, Suhrawardi, Mulla Sadra. in *Great Thinkers of the Eastern World*, ed. Ian P. McGreal. (San Francisco: Harper-Collins Publishers,1995). pp. 446-488; "Suhrawardi's Mystical and Philosophical Poetry." in *Islamic Philosophical Treatises*. ed. by Z. Moris, (Chicago: Kazi Press). 1999; "Avicenna and Suhrawardi on Knowledge," *Journal of Islamic*

*Science and Philosophy*, (forthcoming) ;

66. Mehdi Aminrazavi, *Suhrawardi and the School of Illumination*, London: 1996.
67. John Walbridge, *The Science of Mystic Lights*, Cambridge: 1992
68. Walbridge, John "Suhrawardi, a Twelfth-Century Muslim Neo-Stoic?", *Journal of the History of Philosophy*, 1996; 34:515-533.
69. Walbridge. John, *The Leaven of the Ancients*. New York, 1999.
70. Walbridge. John, *The Wisdom of the Mystic East: Suhrawardi and Platonic Orientalism*, SUNY Press, 2001.
71. Aragues Juan Manuel . El pensamiento irracional islamico: el sufismo de Sohrawardi. *Revista española de filosofía[medieval]*, Zaragoza:1993; pp.15-19.
72. Cruz Hernandez . Miguel. *Simbolismo y esoterismo en la filosofía islamica: Ibn sina y Sohrawardi*, in *Literatura y fantasia en la edad media*, ed. J. Paredes Nuñez. 1989:179-191.
73. Cruz Hernandez, Miguel "La estructura mistico-metafisica del 'Saber de alborada' (Hikamt Al-Ishraq) de Šihab Al-Din Yahya Suhrawaridi , *Al-Šayj Al-Išraq, Al-Maqtul wa-l-Sahid.*" in *Homenaje a Pedro Sainz Rodriguez, Madrid, 1968; IV:309-318.*
74. Haruo Kobayashi, "Ibn Sina and Suhrawardi on Self-Consciousness: Some Comparative Remarks." *Orient*, Tokyo, 1990:XXVI, 62-77.
75. Filippin-Ronconi, Pio "La metafisica della luce presso Šihabu'd -Din Yahya Sohrawardi: analogie e considerazioni," In *Atti del convegno sul tema: Mircea Eliade e le religioni asiatiche*, Series orientale Roma, LXIV, 87-102.

۷۶. ابن ابی اصیبعه، *عیون الأنباء*، بیروت: ۱۹۶۵، ص ۶۴۴. ابن اشعار بر سنگ مزار سهروردی بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی